

زانوی چه کنم شهرام همایون

خدا حافظی از بینندگان

امیر فیض- حقوقدان

در برنامه ای که از تلویزیون شهرام همایون منتشر شده اوبه ملاحظه عدم علاقه به رودروئی با شاهزاده رضاپهلوی (بقول همایون) ضمن مرثیه ای برای خود از بینندگان برنامه خدا حافظی کرده است.

از آنجا که شهرام همایون در مرثیه خود چندین بار سوال کرده که <من چکنم> این تحریر مایل است پاسخ پرسش ایشان را بدهد.

همه منتظر این اعلام همایون بودند

حدود چندین ماه است که بنده منتظر چنین اعلامی از سوی شهرام همایون هستم، خود ایشان این انتظار را برای همه بینندگانش فراهم ساخت شهرام همایون در برنامه مصاحبه با خانم شهین حسینی گفت:

<من شهرام همایون تا وقتی که سفارت آمریکا در تهران باز نشده شهرام همایون هستم. بعدا چیز دیگری خواهم شد چنانکه تلویزیون های دیگر هم از وقتی مذاکرات وین بجزریان افتاد دیگر دنبال کار سیاسی نیستند و فعالیت های هنری و ادبی میکنند>

مفهوم اظهارات ایشان ارتباط دادن فعالیت سیاسی خودشان و همچنین سایر رسانه ها به روابط سیاسی آمریکا و جمهوری اسلامی است؛ بدین معنا که مبارزات اینان درگرو بهبود روابط است و اگر روابط آمریکا و ایران بسوی مثبت جریان یابد رسانه های گروهی و از جمله آقای شهرام همایون دیگر شهرام همایون امروزی نیست هر طوری که باشد و یانباشد از کار سیاسی در نحوه مخالفت با جمهوری اسلامی کنارگیری خواهد کرد.

اکنون همگان ناظریم که روابط آمریکا و جناحی از حاکمان جمهوری اسلامی در شرف بهبود است و شیخ حسن روحانی دقیقا فرماندهی این تغییر را برعهده دارد و شیطان بزرگ به کدخدای قابل اطمینانی مبدل میشود تا آب و نان مردم ایران را تامین کند!

این تحولات که هرگز پوشیده و مخفی نیست آقای شهرام همایون را بنا بر وعده ای که داده بود وارد عمل ساخته است منتها نیازه بهانه داشت و آنقدر هم مرد نیست که بگوید همانطور که قبلا گفته ام با تحولات سیاسی آمریکا و ایران بنده هم عوض خواهم شد، اعلیحضرت را بهانه ساخته است.^۱

^۱ -گرفتاری در آن است که هرکس هر اشتباهی و هر کار گندی می کند، تقصیر را به گردن اعلیحضرت که در اینگونه موارد سکوت می کنند می اندازد. شهرام همایون هم که از حضور تلویزیون «افق ایران» دل خوشی ندارد تقصیر را به گردن اعلیحضرت می اندازد. این کار اصولا به اعلیحضرت ارتباط نمیداشت اگر ایشان هرگز تلویزیونی که مربوط به شورای ملی تجزیه طلبان بود را به خود منسوب نمی کردند. این نسبت، موجب نسبی نمی شد که به مجریان و برنامه ریزان آن تلویزیون نسبت داده می شود راه نیانداخته بودند ح-ک

نمونه ای برای استحکام تحریر

تمام کسانی که خواسته اند فعالیت سیاسی خود را متوقف کنند و یا تغییر موضع بدهند بیک بهانه ای متوسل شده اند و بیشتر آنها اعلیحضرت رابهانه ساخته اند از باب نمونه آقای قاضی سعید مدیر روزنامه ایران تربیون برای اینکه فعالیتش را متوقف کند مصاحبه روزنامه کیهان لندن با اعلیحضرت رادر سال ۶۳ بهانه ساخت و با نوشتن مقاله ای تحت عنوان: <غم نامه> اتهامات متعددی را متوجه اعلیحضرت ساخت و ایشان را متهم نمود که چرا با کیهان مصباح زاده مصاحبه کرده است و با سایر نشریات برون مرزی این مصاحبه انجام نگردیده. قضیه خیلی مفصل است و سنگردریک شماره آنرا مطرح و پاسخ داد که سنگردریک شماره ۲۲۹ بتاریخ آذرماه ۶۳ است.

اجازه فرمائید به همین یک نمونه اکتفا شود و برویم به مرثیه شهرام همایون.

صلاحیت شهرام همایون

اعتراض همایون به شاهزاده رضاپهلوی (بقول همایون) وارد نیست زیرا مشمول قاعده <کسی را که امین میدانید نمیتوانید متهم کنید> میباشد/

شهرام همایون در برنامه خودش مدعی شد، کارهایی که رضا پهلوی کرده است از کارهای پدر و پدر بزرگش مهم تر است، و همچنین در مصاحبه ای گفت که <مطلبی که شاهزاده در مصاحبه بابی بی سی گفت مرا ۱۵ سال جوان ساخت> که بنده هم در نامه ای سوال کردم که آن مطلب که شما را ۱۵ سال جوان کرد چه بوده که ما هم جوان شویم که جوابی دریافت نکردم.

اینها قرآنی است محکم که شهرام همایون، نمیتواند شاهزاده رضاپهلوی (به گفته خودش) را که از رضاشاه و محمد رضاشاه فهمیده تر و واجد قدرت اجرائی و تعقل بیشتر در کار میدانند استیضاح کند؛ (کسی که گواهی به درستی و امانت داری دیگری داده نمیتواند همان شخص را متهم به خیانت در امانت بنماید) زیرا اصل، از نظر تمجیدات شهرام همایون این است که دخالت رضا پهلوی در امر شورای تجزیه طلبان و افق ایران و هرکاری که اراده بفرمایند عاقبتی خواهد داشت که در ردیف همان کارهای رضا پهلوی قرار خواهد گرفت که از کارهای پدر و پدر بزرگش مهم تر است.

خود شهرام همایون هم در برنامه ای گفته است <کسی حق ندارد رضا پهلوی را نقد کند - کسی حق ندارد اپوزیسیون را نقد کند - مگر خمینی را کسی نقد کرد<^۲

اینکه ایشان بلافاصله بعد از اقدام رضاپهلوی به راه اندازی افق ایران در تلویزیون اندیشه از کوره در رفته و صبر که زمان لازم برای نتیجه گیری اقدامات است را رعایت نکرده عملش فاقد منطق است و <گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم> مبتنی بر همین ضابطه صبر است که همایون از آن استفاده نکرده است.

^۲ - از روز نخست بسیاری از ما طرفداران قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آن خمینی را نه تنها نقد بلکه بکلی مردود دانسته ایم. ح-ک

کارهای رضا پهلوی که بنظرشهرام همایون بالاتر و مهم تر از اقدامات رضاشاه کبیروشاهنشاه ایران است همان لحظه آغاز، برتری خود را به آقای همایون نشان نداد گذشت مدت بود که این تشخیص بخوانید چاپلوسانه رادرایشان ایجاد کرد.

بنابراین همایون شتاب بی مورد داشته اگر صبر میکرد، همین بازی شورای تجزیه طلبان وافق ایران هم بنظرشهرام همایون میشد کارهایی که از کارهای شاهان پهلوی مهم تر بود!

اما اینکه چرا شهرام همایون صبر نکرد، علتش پیشرفت سریع سیاست آمریکا در ایران بود که شهرام همایون خودش را تابع آن معرفی کرده بود (در ابتدای این تحریر عرض موضوع شد).

حجر در کنار عدم صلاحیت

از سوی دیگر کسی که کارهای سی و پنج ساله اعلیحضرت را کارهای مثبت آنهم در حد بالا تر از کارهای رضاشاه کبیر و محمد رضاشاه پهلوی میداند و این دانستن و تشخیص منحصر به اوست و نه هیچکس دیگر این موقعیت حالت حجر را بر شهرام همایون غالب میسازد و اصولاً او را محروم از قضاوت در چنین مسائلی که نیازه قدرت تشخیص دارد میسازد و بالطبع موقعیت انتقاد و استیضاح رانیز از او سلب میکند.

و اما بعد: در مرتبه چکنم او آمده است

* > ما با سلاح منطق و با سلاح دلیل و با سلاح هویت تاریخی وارد میدان میشدیم و دشمن را شکست میدادیم <

** حرف منطقی است ولی گوینده آن نمیتواند شهرام همایون باشد؛ زیرا او گفته است که من (شهرام همایون) سلطنت طلب نیستم. و او از اولین کسانی بود که هویت تاریخی ایران که شاهنشاهی است را زیر پا گذارد و در مصاحبه با خانم شهین حسینی هم اظهار مسرت کرد که رضا پهلوی در مقام تصدی سلطنت قرار نگرفته است.

آری ما با سلاح مشروعیت سلطنت و تداوم اجرائی قانون اساسی در کنار دستاوردهای عظیم دوران

پهلوی میتوانستیم دشمن را شکست بدهیم، ولی همین شهرام همایون ها و نوریزاده ها به کمک بیگانگان نگذاشتند که مبارزه ایرانیان در مسیر تاریخی و هویتی خود حرکت کند.

میهمانان تلویزیون رضاپهلوی

* > امروز ما بروی دوستانمان قرار گرفته ایم آدمهایی که بسته، بسته پرچم شیروخورشید توزیع میکردند میهمان تلویزیون منتسب به رضاپهلوی هستند <

** خوب، نفهمیدم ایراد این عمل برفرض وقوع کجاست؟ واهیمت آن در چیست که کسانی میهمان تلویزیون افق ایران شوند. انسان بهانه گیر به هر چه دم دستش باشد گیر میدهد.

آنچه نکبت بار است امضای قطعنامه شورای تجزیه طلبان است که آقای شهرام همایون هم طوق این لعنت و نکبت را بگردن دارند. امضای قطعنامه شورای تجزیه طلبان، با میهمان برنامه افق ایران شدن خیلی تفاوت دارد و برای آقای شهرام همایون جای گله ای، آنهم در حدی که آنها را دوستان دیروز بنامد وجود ندارد؛ زیرا خود شهرام همایون یکی از اعضای شورای تجزیه طلبان است، که تلویزیون افق ابزار شورا محسوب میشود، در این صورت رطب خورده نمیتواند از رطب خوردن دیگران خرده بگیرد.

تلویزیون منتسب به رضاپهلوی ابزار شورای تجزیه طلبان است، وهمانطور که عرض شد، شهرام همایون هم عضو شورا است و در مصاحبه ای گفت که «من عضو شورای ملی هستم و دوستان (ما هستیم) در آلمان بخش شورا را مدیریت میکنند».

بنابراین بر طبق اصول معمول، اعتراض باید متوجه شورا باشد نه ابزار شورا و این اعتراض وقتی میتواند منشا اثر باشد که معترض، یا اعلام قناعت در پاسخ انتقاد را بنماید و یا از شورا کناره گیری کند و یا اعتراض خود را مسترد دارد ولی برای یک آدم غیر منطقی و بیشتر فرصت طلب همه آنها با هم مطرح است و در عین حال هیچکدام هم مطرح نیست.

مرثیه کلاشی

* یکی از مواردی که شهرام همایون خیال کرده که مرثیه اش گیرائی داشته آنجاست که با بغض در گلو گفت تلویزیون رضا پهلوی مرا کلاش مینآمد و اینجا بود که باتکرار من چه بکنم کتاب در دستش رابه طرف زمین پرت کرد و با حالت خاصی گفت من باقرض، کتاب پدر رضاپهلوی راکه سی و پنج سال است به طرز آبرومندی چاپ نشده چاپ کرده ام مرا کلاش مینامند من چه بکنم؟

** ادعای اینکه کتابهای شاهنشاه ایران درسی و پنج سال گذشته بطرز آبرومندی چاپ نشده از سر بی اطلاعی شهرام همایون است، ده ها بار کتابهای مزبور از جمله انقلاب شاه و ملت و ماموریت برای وطنم چاپ شد و هنوز هم در کتابخانه سنگرموجود است. در سال ۱۳۶۶ ماموریت برای وطنم در چاپی بسیار عالی و جلد رنگین بوسیله شخصی بنام ح- شیرازی و ویراستاری شادروان سیاوش بشیری به چاپ رسید ولی برایگان در اختیار ایرانیان قرار گرفت و کسی هم کیسه ای برای آن ندوخت.

آقای شهرام همایون خطاب شما هستید

آقای شهرام همایون، آیا شما برای چاپ و فروش کتاب های شاهنشاه از وراث قانونی شاهنشاه اجازه کتبی و یا قرارداد لازم را داشته اید؟ اگر نداشته اید اتهام کلاشی کاملاً متوجه شماست و اگر تردید دارید بایک حقوقدان مشورت کنید و بی گدار به اب نزنید «که معامل بیناست».

پاسخ چه بکنم شما در این مورد این است که کار سیاسی را با کسب و کار مخلوط نکنید و از نام و شخصیت شاهنشاه برای نجات ایران استفاده کنید نه برای کسب در آمد و ثروت.

آیا شما آنقدر از نظر مالی فقیر و شکسته هستید که باقرض و قوله یک کتاب شاهنشاه رابه چاپ رسانده اید؟ تصور نمیکنم کسی این موضوع را تائید کند شما کم از نام شاه و شاهنشاهان پهلوی استفاده سوه نکرده اید که کسی ادعای قرض گرفتن برای چاپ یک کتاب را از شما باور کند.

باسخ چه کنم شما

از یرت کردن کتاب رسما عذرخواهی کنید، و کتاب ها را اگر چاپ شده برایگان به ایرانیان هدیه کنید و صورت حساب چاپ کتاب را برای من بفرستید و شرافتا قول دهید که از این کارهای زشت دیگر نکنید. آقای شهرام همایون این را بدانید که سلطنت طلبان برای سر بلندی شاهان پهلوی از جان و مالشان مایه میگذارند ولی کلاشی نمیکنند و از کلاشی دیگران هم بیزارند.

پرچم

* «من با میبیدی و نوریزاده در افتادم که چرا پرچم شیروخورشید را کنار گذاشته اند»

** «همایون روی موضوع پرچم خیلی صدایش را بلند کرد و فراموش کرده بود که سعدی گفته است

دلایل قوی باید و معنوی نه رگ های گردن به حجت قوی

سند اصالت و حقانیت پرچم، قانون اساسی کشور است چنانکه در ماده ۵ متمم، پرچم رسمی نظام سلطنتی ایران پرچم شیروخورشید نشان معرفی شده است، نمیشود طرفدار تداوم مشروعیت قانون اساسی و متمم آن نبود، و تنها پرچم آنرا قبول داشت، نمیشود انتقال قهری سلطنت رابه ولیعهد قبول نداشت. ولی از بین ۱۵۷ ماده قانون اساسی مشروطیت تنها ماده ۵ آن که توصیف پرچم است را قبول داشت. میبیدی و نوری زاده و خود شهرام همایون و شورای تجزیه طلبان و حتی شخص رضاپهلوی در موقعی نیستند که صلاحیت استفاده از پرچم مقدس شیروخورشید ایران را داشته باشند آنان با شناختن شورش ۵۷ بعنوان یک انقلاب اصیل ملی ناچارند زیر پرچم کثیف جمهوری اسلامی قرار گیرند زیرا:

هرملتی وابسته به کشوری، و هر کشوری در محدوده عمل دولتی، و هر دولتی منبسط در قانون اساسی کشور و وابسته به پرچمی است که در همان قانون اساسی تعریف شده است (ماده ۱۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی پرچم را تعریف کرده است). کار سیاسی نشأت یافته از عقیده است. عقیده باضد سازگار نیست، عقیده باید یکدست باشد نمیتواند یک خورده از این و یک خورده از آن باشد، اصطلاح؛ «یازنگی زنک یارومی روم» همین را میگوید.

ولعهد ایران

بخش دیگری از مرثیه شهرام همایون در عبارت پر معنای زیر است:

* من آرزوی اینکه شهرام همایون مقابل دوربین بنشیند و اهانت و جسارت رابه ولیعهد ایران که آرزوی محمد رضاشاه بود در وصیت نامه اش به ملت ایران سپرده شده بود را به دل وزارت اطلاعات و مامورین آن میگذارم و از صحنه خارج می‌شوم.

** آقای شهرام همایون شما و همه کسانی که ولیعهد ایران را از مقام و جایگاه پادشاهی به شاهزاده افول دادید و با سیاست آمریکا (طرح هنری برشت) همصدائی و جاده صاف کن شدید، گل امید به آینده را در دل وزارت اطلاعات و خود جمهوری اسلامی کاشتید **جبی زحمت روغن ریخته راصرف نکنید**.

شما و امثال شما ها اگر برای وصیت شاهنشاه اعتباری قائل بودید اعلام نمی‌کردید که سلطنت طلب نیستید و اعلیحضرت رضاشاه دوم که سوگند سلطنت را یاد کرده بودند را به شاهزاده تبدیل نمی‌ساختید.

دروغ می‌گوئید

شما خواسته اید احترام و احساساتتان رانسبت به رضاپهلوی بتظاهر آورده باشید ولی دروغ می‌گوئید؛ دلیلش این است:

شما در برنامه شورای ملی و سکولارها در پایان برنامه گفتید: حالاخبره شاهزاده یک پدیده است چکارش کنیم سمش بدهیم که بنده هم نوشتم نمیخواهم باسکوت خود ادای خیرخواهی رازشما دریغ کنم ووزن ناهنجارسخن شمارا متذکرشدم.

اکنون همان سخن شمارا سند و شاهد گرفته و می‌گویم شما در تظاهر به نام و شخصیت اعلیحضرت دروغ و دغل بکارمی بندید چراکه هیچ انسانی عبارتی را که شما در باره اعلیحضرت بکاربرده اید حتی برای گربه مزاحمش هم بکار نمیبرد و شما آنرا در رسانه گروهی خودتان مصرف کردید، و این دلیل دیگری است بر آنچه ادعا کرده اید (چکارش کنیم سمش بدهیم) صادق و وفادار میباشید و آنراحق و نصیب اعلیحضرت میدانید.

شما در همین مرتبه خوانی، خودتان را شخص آگاه معرفی کرده اید؛ یعنی با آگاهی تمام به مفاسد کلام (چکارش کنیم سمش بدهیم) اقتدا کرده اید، این را می‌گویند حرمت داری از اعلیحضرت؟ این را می‌گویند کلام یک مرد ایرانی که احترام شاه را در ردیف احترام و تقدیس خدا و میهن میدانند؟

نسخه چه کنید

علاوه بر نسخه ای که بنا بر تقاضای شما بتحریر رفت در پایان یک نسخه جامع که بشدت به آن نیاز دارید بنا بر درخواست شما تقدیم می‌کنم و آن این است که: فقط آدم حسابی شوید که بنفع شما و ما و همه ملت ایران است.